

هنگامه ها در رفع نقیسه ها

سی و دومین هنگامه

کیهان لندن و مصاحبه شهریار ایران

امیرفیض حقوقدان

یاد آوری از هنگامه ها

نکته مشخص در هنگامه ها بویژه هنگامه سی و یکم این بود که آقایان دکتر علی امینی و شاپور بختیار که از ابتدای مبارزه ایرانیان خارج از کشور اهرم مبارزه را بدست گرفته بودند سعی و تلاش متفق داشتند که اولاً قانون اساسی ۱۹۰۶ را که توجهی به سلطنت پهلوی نداشت سند حقوقی مبارزه قرار دهند و دوم اینکه شهریار ایران یک فرد عادی است و حق ندارد که بیانیه و اعلامیه بنام شهریار ایران بدهد.^۱

در مقابل این ادعای آقایان امینی و بختیار، که سالها ادامه داشت، شهریار ایران سخت مخالفت و ایستادگی میکردند و به مشروعیت تدوام سلطنت و قانون اساسی و متمم آن اعتقاد راسخ خود را در مصاحبه ها و بیانیه ها موكداً تکرار میفرمودند.

در آخرین مانور فریبکارانه جبهه نجات امینی که با تشکیل تظاهراتی با حدود ۷ هزار ایرانی سلطنت طلب، درواشنگتن تشکیل گردید قطعنامه ای صادر و تمام خواست های امینی و بختیار که در محدوده همان قانون اساسی ۱۹۰۶ و پایان مشروعیت رژیم سلطنتی ایران بود در آن قطعنامه گنجانیده شد که در واقع خواست های خود را که ۴ سال دنبال میکردند بصورت قطعنامه که بمعنای قطعیت یافتن است در آوردند.

همانطور که در هنگامه شماره سی و یکم ملاحظه کردید، شهریار ایران در مقابل آخرین تلاش حیلۀ گرانه جبهه نجات سخت ایستادند و این بیان تاریخی را در مصاحبه باروزنامه واشنگتن پست در مقابل تلاشهای مذبحانه علی امینی بتاریخ سپردند.

«وظیفه من اصولاً مبتنی بر قانون اساسی مشروطه و این راهی است که ما و تمام مشروطه خواهان ایران بعنوان تنها راه نجات مملکت خود بدان اعتقاد داریم و مبنی بر قانون اساسی و متمم آن است که ۷۹ سال پیش بدنبال یک انقلاب واقعی تدوین شده» (تشریح واکنش اعلیحضرت در سنگر ۲۵۸)

ماهیت اجرایی واکنش شهریار ایران نسبت به قطعنامه جبهه نجات و تلاش ۴ سال بختیار و امینی نشانگر شکست و عدم کارایی جبهه نجات در اجرای طرح جرج بال آمریکایی است، و آمریکا با این حقیقت روبرو شد که برنامه مورد نظر آن کشور در مورد استراتژی مبارزه شهریار ایران بوسیله علی امینی با سابقه وفاداری به سیاست آمریکا باشکست روبرو شده است.

همانطور که وقتی عملی ای نتواند کار مورد نظر کارفرما را انجام دهد کارفرما عملی دیگر را از بین عملیات مورد اعتماد خود بکاردعوت میکند آمریکا هم برای ادامه سیاست خود که همان استراتژی طرح جرج بال بود به عملی دیگری رجوع کرد.

^۱ - متمم قانون اساسی است که تاکید بر پادشاهی خاندان پهلوی دارد. ح-ک

مصباح زاده، عمه جانشین علی امینی

نخست این توجه لازم است که به بنیم چگونه آمریکاییها از بین آنهمه عامل و مزدوری که داشتند و دارند به مصباح زاده رجوع کردند.

مصباح زاده تنها کسی بود که آمادگی و قدرت و امکانات خودش را برای چهره سازی از شخصیت های سیاسی و یابیه کنار انداختن آنها به آمریکاییها اعلام کرده بود سند این مقوله چنین است:

«سناتور مصباح زاده در بحث درباره ضعف سیاسی جبهه ملی به ما گفته بود: «در صورتی که خواسته شود کیهان میتواند در عرض چند هفته از اینها قهرمان ملی بسازد» < (سالیوان سفیر آمریکا سند سری مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹ جلد ۱۳ اسناد سفارت آمریکا)

آمادگی مصباح زاده برای قهرمان سازی متضمن این معنا هم هست که میتواند وقادراست ظرف چند هفته هر رهبری را سکه دوپول و بی اعتبار سازد.

مصباح زاده قبل از ملاقات با سفیر آمریکا و آمادگی خودش برای قهرمان سازی از افرادی که از او خواسته شود، با سازمان سیا آمریکا همکاری نزدیک داشته است.

حسین فردوست از پروژه ای در کتابش یاد میکند که بنام «پروژه دامن» است، پروژه مزبور بروایت فردوست بوسیله سازمان های جاسوس خارجی بویژه سیا تشکیل شده بود و هدفش ایجاد وحشت از نفوذ کمونیسم در مردم ایران بود و بسیاری از روزنامه نگاران و نویسندگان در آن مشارکت داشتند و دکتر مصباح زاده با روزنامه کیهان و روزنامه دیگری که در اختیار داشت سهم بزرگی در ایفای این نقش را داشت. (جلد دوم صفحه ۱۸۴)

حاشیه - مصباح زاده بطرفداری از مصدق و جبهه ملی شهرت داشت و نظرات جبهه ملی رانهایت مورد حمایت قرار میداد < باقر عاملی ۱۴۵۱ > (پایان حاشیه)

مصباح زاده پس از خروج از ایران و اقامت در فرانسه بهیچوجه در کار سیاست و مبارزه نه اینکه دخالت نمیکرد بلکه اعتنائی هم نداشت.

در همان اوایل انتشار سنگر بود که آقای قاسم طاهباز شریک و دوست صمیمی آقای مصباح زاده بامن در لندن تماس تلفنی گرفت و راجع به سنگر سوالاتی داشت من با طاهباز تنها بمناسبت شغلی که او هم وکیل دادگستری بود آشنا بودم به برخی از سوالاتش که اشکالی نداشت پاسخ دادم و پرسیدم چرا شما و آقای مصباح زاده که همه امکانات را دارید شروع به مبارزه نمیکنید؟ گفت: «بموقعش خواهیم کرد»

مصباح زاده و کیهان مامور میشوند

عدم موفقیت علی امینی و جبهه نجات او در اجرای طرح جرج بال آمریکا را متوجه مصباح زاده از رابطین مورد اعتماد وزارت خارجه کشورش ساخت و او را مامور بر ابراه اندازی روزنامه کیهان در لندن کرد، و از آنجا که دربراه انداختن روزنامه کیهان تهران در سال ۱۳۲۰ و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و بیشتر شاهنشاه ایران نقش کمک های مالی را داشتند، در انتشار کیهان لندن هم نمیدانم به چه طریق توانستند که کمک بزرگ و سنگین و الاحضرت را برای انتشار کیهان بدست مصباح زاده برسانند، آقای احمد اللهیاری نوشته است: «در خانواده سلطنتی در مورد حفظ تداوم سلطنت گفتگوهای مخالف و موافقی وجود داشت و الاحضرت که معتقد به تداوم سلطنت بود بفرایجاد یک پایگاه مطبوعاتی قوی در خارج از کشور افتاد»

< کیهان لندن با کمک و الاحضرت اشرف بر ابراه افتاد > (روزنامه کیهان مورخ ۴ آذرماه ۱۳۸۵) آقای احمد اللهیاری رقم سرمایه گذاری و الاحضرت شاهدخت اشرف را ۸۰۰ هزار پوند نوشته است.

سیاه بختی از این بیشتر نمیشود که مجلس دگران روشن از چراغ شماسنت

برای اداره روزنامه کیهان نظراتی متوجه آقای امیرطاهری وهوشنگ وزیری بود که چون گفته میشد که امیرطاهری مشاورمطبوعاتی اعلیحضرت خواهد شد، لذا آقای وهوشنگ وزیری باسابقه کمونیستی وبعدا جبهه ملی وبعدا عضویت نیروی سوم وبعدا سردبیرروزنامه آیندگان طرفداراسرائیل درخارج ازکشور سردبیرکیهان لندن شد.

نقش کیهان لندن درتوقف فعالیت رضاشاه دوم

باسوابقی که آمریکانیها ازمصباح زاده داشتند اورابه انتشارکیهان لندن دعوت کردند البته بامشارکت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی.

روزنامه کیهان آماده انتشارشد ولی مانع بزرگی درکاربودکه روزنامه ها ونشریات خارج از کشور که ازسال ۱۳۵۸ و ۵۹ شروع به انتشارکرده بودند برای انتشارکیهان تازه وارد بعداز ۴ سال مزاحم بشمارمیرفتند چنانکه ایران تریبیون انتشار کیهان رابهانه و سبب تعطیل روزنامه ساخت. (غمنامه ایران تریبیون)

درصدنشریات مزاحم هفته نامه ایران آزاد بود که بمدیریت والاگهرآزاده شفیق اداره میشد، ودرواقع ناشرافکارسلطنت طلبان وقطب توجه ایرانیان وخارجیان بود، این هفته نامه بادسیسه آقای عدل باجناق مصباح زاده وفریب آقای صوراسرافیل راس هیئت تحریریه ایران آزاد تعطیل شد.

حاشیه - آقای عدل دریک نامه دستخط خودشان به سنگرنوشت: «من وصوراسرافیل نشستیم وایران آزاد راتعطیل کردیم»

ازآنجا که ماجرای مفصل آن دسیسه وفریب آقای صوراسرافیل باتام «کتانه سلطانی» درکیهان لندن درسنگرها آمده تکرار آن کارزیادی است پایان حاشیه

مصاحبه کیهان لندن باشهریارایران

رضاپهلوی. خودش. خودش راپاشاه خواند

مصاحبه مزبوردرآبانماه سال ۱۳۶۴ انجام گردید ومصاحبه ای مفصل است که بوسیله وهوشنگ وزیری سردبیرکیهان لندن کارگردانی شده ومفصل آن درسنگرشمارة ۲۷۰ مورخ هفتم آذرماه سال ۱۳۶۴ وعراض سنگربه مصاحبه مزبور و اظهارات وهوشنگ وزیری درسنگر ۲۷۱ قابل مطالعه است.

سوالات بسیارمتنوع است وخواننده مصاحبه به فوریت متوجه میشود که شهریارایران روزنامه کیهان لندن ومصاحبه کننده راپایگاه طرفدارتداوم سلطنت میدانستند که به سلطنت وتداوم آن ووظائف خودشان به عنوان پادشاه متکی با اطمینان خاطرگفتگو میکنند.

پرواضح است انسان بادوست ومورد اطمینان خودش بی پرده وبی آرایش صحبت میکند تاباکسی که حالت اطمینان و دوستی ووفاداری بین آنها نیست.

برای مثل تنها ذکریک مورد ازآن مصاحبه مفصل بنظرکافی است.

سوال کیهان - درباره نقش خودشما چیست؟

شهریارایران - من جزیک پادشاهی مشروطه نمیخواهم چراکه این برای من تعهدی است دربرابرملت ایران ویک اصل

انسانی واخلاقی است که بهیچوجه ازآن چشم نخواهم پوشید درایران آینده، پادشاه بهیچوجه مسئولیت اجرایی نخواهد

داشت دولتها مسئول اموراخرایی خواهند بود

سوال بعدی کیهان - عدم مداخله دراموربه چه زمانی مربوط میشود به پیش ازسرنگونی رژیم ویابعد آن؟

شهریارایران - سوال بجائی است - باید این واقعیت برای همه روشن باشد که قانون اساسی برای سامان دادن به امرحکومت تدوین شده است نه برای سرنگونی رژیمی که پیدایش آن قابل پیشبینی نبود البته تنفیذ قانون اساسی هدف اصلی همه مشروطه خواهان واقعی است.

درچنین شرائطی، نبودن درداخل کشور، درغیاب مجلسین، غیاب قوه قضائیه، پرسش این است که پادشاه چه وظایفی راباید برعهده گیرد درحالیکه نه تنها قوانین مدون حاکم نیست بلکه بدتر وخطرناک تر از آن تمامیت و موجودیت کشور در خطر است درچنین حالی نقش پادشاه چیست؟

من درس خودرا ازحوادث ایران، ازتاریخ ایران گرفته ام وبی توجه به برخی زمزمه هابارمسئولیتی راکه دربرابرجماعه ایرانی پذیرفته ام به دوش خواهم کشید وبرای بازگرداندن قانون ازهروسیله ای استفاده خواهم کرد مگرسازش بادشمن داخلی یاخارجی یابه گروگذاشتن منافع ملی ایران. درشرایط استثنائی امروز من نمیتوانم خودرابه همان وظایفی محدود کنم که درشرایط عادی کشوربرعهده ام خواهم گرفت.

درحالیکه ممکن است از دست میرود، وظیفه ملی وانسانی هرایرانی وطن پرست حکم میکند هرآنچه درتوان دارد درراه رهائی مملکت بکاراندازد.

رضا پهلوی خوش. خودش راشاه میداند

مصاحبه شهریارایران وقتی درکیهان لندن انتشاریافت، سردبیرکیهان لندن هوشنگ وزیری در تیتری نوشته بود (رضاپهلوی خودش، خودش راشاه میداند)

جبهه گیری خصمانه واستهزا آمیز غیرقابل انتظارکیهان لندن، برای شهریارایران، ناامیدی وبی پناهی وبی کسی بسیار سنگینی رامتوجه ایشان ساخت زیرا با آنچه که ایشان ازجریان سرمایه گذاری والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در انتشار کیهان ودیگرقضایا بیشتر از همه میدانست کاملا امیدواربود به پشتیبانی کیهان لندن ازتداوم سلطنت وبه همین دلیل هم بود که شهریارایران باخیال راحت وآسوده وتصورنادرست اینکه بادوست وحامی خود یعنی کیهان گفتگو میکند از حقیقت قصد واراده خود درنجات کشورازشاهراه تداوم سلطنت وقانون اساسی ومتتمات آن سخن گفتند.

کسانی بیستی دارد که وصف الحال مورد است:

هرآنکس که دارد زدشمن امید چو جوینده خرماسست از شاخ بید

اظهارنظرکیهان لندن به اینکه رضاپهلوی خودش، خودش راشاه میداند، واجد همان مفهوم است که درمحواره وگفتگوی تند برخی افراد بی ادب میگویند: <فلانی خیال میکند که ... است>

ضربه، وقتی هولناک است که ازدوست وازیایگاه اطمینان متوجه انسان شود این چنین ضربه ای روحیه راخرد میکند بی اعتماد میسازد، انسان را گوشه گیرمیکند، به دوست ودشمن بیک چشم بد نگاه میکند. ووقتی مقام وموقعیت دشمن دوست نمابالاباشد انسان فکرمیکند که طرف درست میگوید ورضاپهلوی خودش، خودش راشاه میداند< برخوردار کیهان لندن بامصاحبه مزبور بقدری سنگین وغیرقابل تحمل بود که واقعا کمراعتقادی شهریارایران راشکست واز بعد آن مصاحبه وبرداشت کیهان لندن است که اعلیحضرت آغاز به عقب نشینی وعدول ازسوگند سلطنت را آهسته وآهسته دنبال کردند.

کیهان لندن معطل نکرد وبرای جانداختن طرح جرج بال و حمایت ازجبهه ملی ومخالفین سلطنت بسرعت راه افتاد وچنان از بازرگان ودولت او جانبداری کرد که بنوشته همان کیهان یکی از خوانندگان به کیهان نوشته بود: <بهتر است نام روزنامه شماراکیهان مهندس بازرگان گذاشت>

پایان سی ودومین هنگامه به امید ادامه آن